منادی احدیّه از شطر الوهیّه ندا میفرماید ای احبّا ذیل مقدّس را بطین دنیا میالائید و به ما اراد النّفس و الهوی تکلّم مکنید قسم بآفتاب افق امر که از سماء سجن بکمال انوار و ضیاء مشهود است مقبلین قبلهٴ وجود الیوم باید از غیب و شهود مقدّس و منزّه باشند اگر بتبلیغ مشغول شوند باید بتوجّه خالص و کمال انقطاع و استغنا و علوّ همّت و تقدیس فطرت توجّه باشطار بنفحات مختار نمایند ینبغی لهؤلآء ان یکون زادهم التّوکّل علی الله و لباسهم حبّ ربّهم العلیّ الأبهی تا کلمات آن نفوس مؤثّر شود نفوسی که الیوم بمشتهیات نفسیّه و زخارف دنیای فانیه ناظرند بغایت بعید مشاهده میشوند در اکثر احیان در ساحت رحمن بحسب ظاهر زخارفی نبوده و طائفین حول در عسر عظیم بوده‌اند مع‌ذلک ابداً از مشرق قلم اعلی ذکر دنیا و یا کلمه‌ئی که مدلّ بر آن باشد اشراق ننموده و هر نفسی که موفّق شد و بساحت اقدس هدیّه‌ئی ارسال نمود نظر بفضل قبول شده مع آنکه اگر جمیع اموال ارض را بخواهیم تصرّف نمائیم احدی را مجال لم و بم نبوده و نخواهد بود هیچ فعلی اقبح از این فعل نبوده و نیست که باسم حقّ مابین ناس تکدّی شود بر آن جناب و اصحاب حقّ لازم که ناس را بتنزیه اکبر و تقدیس اعظم دعوت نمایند تا رایحهٴ قمیص ابهی از احبّای او استنشاق شود ولکن باید اولو الغنی بفقرا ناظر باشند چه که شأن صابرین از فقرا عندالله عظیم بوده وعمری لا یعادله شأن الّا ما شآء الله طوبی لفقیر صبر و ستر و لغنیّ انفق و آثر انشآءالله باید فقرا همّت نمایند و بکسب مشغول شوند و این امری است که بر هر نفسی در این ظهور اعظم فرض شده و از اعمال حسنه عندالله محسوب و هر نفسی عامل شود البتّه اعانت غیبیّه شامل او خواهد شد انّه یغنی من یشآء بفضله انّه علی کلّ شیء قدیر...

ای علی بگو باحبّای الهی که اوّل انسانیّت انصاف است و جمیع امور منوط بآن قدری تفکّر در رزایا و بلایای این مسجون نمائید که تمام عمر در ید اعدا بوده و هر یوم در سبیل محبّت الهی ببلائی مبتلا تا آنکه امر الله مابین عباد مرتفع شد حال اگر نفسی سبب شود و باوهام خود در تفریق ناس سرّاً او جهراً مشغول گردد او از اهل انصاف است لا ونفسه المهیمنة علی العالمین لعمری ینوح قلبی و یدمع عینی لأمر الله و للّذین یقولون ما لا یفقهون و یتوهّمون فی انفسهم ما لا یشعرون

الیوم لایق آنکه کل باسم اعظم متشبّث شوند نیست مهرب و مفرّی جز او و ناس را متّحد نمایند اگر نفسی در اعلی علوّ مقام قائم باشد و از او کلماتی ظاهر شود که سبب تفریق ناس گردد از شاطی بحر اعظم و علّت توجه بشطری جز مقام محمود مشهود که ظاهر است بحدود بشریّهٴ جهاتیّه یشهد کلّ الأکوان بأنّه محروم من نفحات الرّحمن قل ان انصفوا یا اولی الألباب من لا انصاف له لا انسانیّة له حقّ عالم است بکلّ نفوس و ما عندهم حلم حقّ سبب تجرّی نفوس شده چه که هتک استار قبل از میقات نمیفرمایند و نظر بسبقت رحمت ظهورات غضبیّه منع شده لذا اکثری از ناس آنچه سرّاً مرتکبند حقّ را از آن غافل دانسته‌اند لا ونفسه العلیم الخبیر کل در مرآت علمیّه مشهود و مبرهن و واضح قل لک الحمد یا ستّار عیوب الضّعفآء و لک الحمد یا غفّار ذنوب الغفلآء ناس را از موهوم منع نمودیم که بسلطان معلوم و ما یظهر من عنده عارف شوند حال بظنون و اوهام خود مبتلا مشاهده میشوند لعمری انّهم هم الموهوم و لا یشعرون و ما یتکلّمون انّه هو الموهوم و لا یفقهون نسأل الله ان یوفّق الکلّ و یعرّفهم نفسه و انفسهم لعمری من فاز بعرفانه یطیر فی هوآء حبّه و ینقطع عن العالمین و لا یلتفت الی من علی الأرض کلّها و کیف الّذین یتکلّمون بأهوائهم ما لا اذن الله لهم بگو الیوم یوم اصغا است بشنوید ندای مظلوم را باسم حقّ ناطق باشید و بطراز ذکرش مزیّن و بانوار حبّش مستنیر اینست مفتاح قلوب و صیقل وجود و الّذی غفل عمّا جری من اصبع الارادة انّه فی غفلة مبین صلاح و سداد شرط ایمان است نه اختلاف و فساد بلّغ ما امرت به من لدن صادق امین انّما البهآء علیک یا ایّها الذّاکر باسمی و النّاظر الی شطری و النّاطق بثنآء ربّک الجمیل